

نگاهی به

گزیده قصاید خاقانی

نوشته دکتر مجید سرمدی

یوسف اسماعیل زاده *

این مقاله شامل بخش‌های زیر است:

۱. ایرادات کتابشناسی
۲. ایرادات در معنا و شرح
۳. درباره آرایه‌های ادبی
۴. موارد نگارشی
۵. تصحیح ابیات
۶. خودآزمایی
۷. ایرادات تایپی

ایرادات کتابشناسی

- ۱- صفحه سیزده، شماره ۲: در ذیل اشاره به دیوان خاقانی به تصحیح علی عبدالرسولی به انتشارات آن اشاره نکرده‌اند. (کتابفروشی خیام). عنوان کتاب در فهرست مأخذ متفاوت است.
- ۲- در شماره ۸ در همین صفحه هم به انتشارات کتاب مورد نظر اشاره‌ای نکرده‌اند. (انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی).
- ۳- صفحه سیزده، شماره ۱۱: در کتابشناسی کتاب «رخسار صبح»، نام مؤلف آن دکتر میرجلال‌الدین کزازی از قلم افتاده است.
- ۴- صفحه سیزده، شماره ۲۴: مؤلف «تاریخ ادبیات ایران» را ذکر نکرده‌اند. (ادوارد براون).
- ۵- صفحه چهارده، شماره ۲۹: تکراری است. شماره ۲۹ و ۱۶ کتابشناسی «شاعر صبح» است.

خاقانی شروانی (۵۲۰ - ۵۹۵ ق.) از سرایندگان نامی ادب پارسی و از قله‌های رفیع قصاید فارسی است. اعتبار شعری خاقانی به حدی است که «حسان العجم» لقبش داده‌اند. قوت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ و خلق معانی و ابتکار مضامین جدید و پیش گرفتن راه‌های خاص در توصیف و تشبیه، او را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قصیده‌سرایان ادبیات فارسی شناسانده است. خاقانی بر اثر احاطه بر اغلب علوم متداول عصر خود و توانایی استخدام علوم در شعر؛ توانسته است مضامین علمی در شعر خود تولید کند که فهم شعرش را دشوار می‌سازد. البته این تنها دلیل دیرپای بودن شعر خاقانی نیست؛ بلکه «وقتی با عوامل مختلفی از قبیل رقت فکر و باریک‌اندیشی او در ابداع مضامین و اختراع ترکیبات تازه و به کار بردن استعارات و کنایات مختلف و متعدد و امثال آنها جمع شود»؛ دیرپای‌تر می‌گردد. (تاریخ ادبیات، ج ۲، ص ۷۸۳)

همواره کسانی بوده‌اند که بر اشعار خاقانی شرح و حاشیه نوشته‌اند. از آخرین کتاب‌های مربوط به شعر خاقانی، کتاب گزیده قصاید خاقانی تألیف دکتر مجید سرمدی است. در این مقاله نگاهی اجمالی به مطالب مندرج در این کتاب داریم. کتاب، شامل شرح و توضیح ۱۴ قصیده است. مقدمه کتاب به مباحثی درباره نام و نشان، آثار، سبک شعری و مضامین عمده شعر خاقانی می‌پردازد. کتاب‌شناسی مختصر خاقانی، فهرست آیات قرآن، فهرست احادیث و امثال عربی، واژه‌نامه، خودآزمایی و پاسخ‌ها از دیگر مطالب کتاب است.



۱۱- ص ۶۸: در پاورقی به «ترک الاطباب» ارجاع داده‌اند. در حالی که در فهرست منابع چنین کتابی به چشم نمی‌خورد. عنوان کتاب نارساست. سه چاپ مختلف داریم: ترک الاطباب فی الشرح الشهاب، ابوالحسن علی بن احمد معروف به قضاعی، به اهتمام محمّد شیروانی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.

شرح فارسی شهاب‌الاخبار، قاضی قضاعی، به تصحیح و تعلیق سید جمال‌الدین حسینی ارموی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
شرح فارسی شهاب‌الاخبار، از نویسنده‌ای ناشناخته، به تصحیح محمّدتقی دانش‌پژوه، دانشگاه تهران، شماره «۹۶»، ۱۳۴۹.
مؤلف محترم روایت را از کتاب دیگری اخذ کرده‌اند و در ذکر منبع مسامحه روا داشته‌اند. در صفحه ۱۴۶ با اسم «شهاب‌الاخبار» ارجاع داده‌اند که باز هم ناقص است.

۱۲- ص ۸۹، ذیل شماره ۳۳ شعر مشهور: «نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی» را آورده‌اند و در پاورقی به جای ارجاع به کلیات شهریار فقط نوشته‌اند: استاد شهریار.
۱۳- ص ۱۰۸: در پاورقی آمده: «تعلیقات گزیده خاقانی»: چنین ارجاعی در فهرست مأخذ دیده نمی‌شود و اصولاً چنین کتابی موجودیت ندارد. همان «گزیده خاقانی» کفایت می‌کرد.
۱۴- صص ۱۱۷، ۱۳۳، ۱۷۴، با ارجاع به فرهنگ تلمیحات ذکر صفحه ننموده‌اند.

۱۵- ص ۱۳۲: در ارجاع به دیوان سنایی، ذکر صفحه نکرده‌اند.
۱۶- ص ۱۴۶: در پاورقی از «حدیقه الحقیقه» نام برده‌اند اما بدون ذکر صفحه، در فهرست منابع هم دیده نمی‌شود.
۱۷- ص ۱۴۷: از حاشیه عبدالرسولی بدون ذکر صفحه نام برده‌اند.

۱۸- ص ۱۴۹: «سفینة البحار» در فهرست منابع نیامده است.
۱۹- ص ۱۵۰: نوشته‌اند «منطق الطیر به نقل از تعلیقات سجادی»، ذکر صفحه نشده است؛ نه منطق الطیر و نه تعلیقات سجادی.

۲۰- کتاب‌های ذیل در فهرست منابع آمده که در متن کتاب از آنها ذکر نشده است: فرهنگ عروضی، کشف الاسرار، معجم البلدان، حافظ و موسیقی، دیوان مجیر.

۲۱- فرهنگ‌های زیر که مورد استفاده مؤلف قرار گرفته، در فهرست منابع نیامده است: آندراج (ص ۶۳، ص ۱۳۸)، فرهنگ

۶- مؤلف محترم در فهرست مأخذ، مشخصات منابع را نارسا آورده است که ممکن است دانشجویان را در یافتن منابع دچار مشکل کند. مثلاً در ذیل شماره‌های: ۸ (حافظنامه)؛ ۱۱ (دیوان انوری)؛ ۱۲ (دیوان جمال‌الدین اصفهانی)؛ ۱۶ (دیوان سنایی غزنوی)؛ ۱۹ (دیوان قطران تبریزی)؛ ۲۰ (دیوان کلیم کاشانی)؛ ۲۴ (شاهنامه فردوسی)؛ ۳۶ (فنون بلاغت و صناعات ادبی)؛ کلاً سال و نوبت چاپ را ذکر نکرده است و در برخی هم محل انتشار را.

۷- صفحه ۲۴: مؤلف محترم ضمن ارجاع دادن به کتاب «فرهنگ اصطلاحات عرفا» ذکر صفحه ننموده‌اند. ضمن آنکه عنوان کتاب در پاورقی با عنوان کتاب در فهرست منابع متفاوت است. در اصل نام کتاب هیچ‌یک از آن دو نیست. نام کامل کتاب: «فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی» است.

۸- ص ۴۱: در پاورقی به «دیوان شمس» ارجاع داده‌اند. بهتر بود که «تبریزی» هم می‌افزودند. به علاوه در فهرست منابع با عنوان «کلیات شمس» آمده نه دیوان.

۹- ص ۵۶: در پاورقی به اسکندرنامه ارجاع داده شده است. این کتاب مستقلاً در فهرست منابع نیامده است. همچنین در صص ۸۴ و ۸۵ به لیلی و مجنون و مخزن الاسرار ارجاع داده‌اند. در فهرست منابع «سبعه حکیم نظامی» آمده است.

۱۰- ص ۶۶: در پاورقی به «اسرارنامه» ارجاع داده‌اند که در فهرست منابع نیامده است.

جهانگیری (ص ۷۳)، غیث‌اللغات (صص ۷۳، ۱۱۶، ۱۳۷، ۱۵۱).

ایرادات در معنا و شرح:

۱- ص ۱۴۴، بیت ۳۶

چون کوزه فقاعی، از افسردگان عصر
در سینه، جوش حسرت و در حلق، ریسمان
بهتر بود مؤلف محترم به تناسب بین «فقاع و عصر» و تصحیف
تناسب بین «افسرده» و تبادر آن به «افشرده» و «عصر» (به معنای
فشردن) توجه بیشتری می‌نمود.

۲- ص ۱۴۴، بیت ۳۸

چون گربه پرخیانت و چون موش نقب‌زن
چون عنکبوت جوله و چون خرمگس عوان
در بیت فوق خیانت گربه را توضیح نداده‌اند. شاید منظور خوردن
بچگانش باشد.

۳- ص ۱۴۵، بیت ۱

مؤلف محترم در بیت زیر «میان‌خانه» را اصطلاحی در موسیقی
فرض کرده که درست نیست.

همین کز جهان، علامت انصاف شد نهنان

ای دل کرانه کن، ز میان‌خانه جهان

۴- ص ۱۵۵: «سرپرده امان» را تشبیه بلیغ شمرده، در حالی که
می‌توان استعاره هم گرفت.

۵- ص ۱۴۸، بیت ۱۳

بهتر بود که اشارتی به آیات قرآن در این زمینه می‌نمودند: «ثم
استوی الی السماء و هی دخان» (فصلت، ۴۱) «فأقترب یوم تأتي
الماء بدخان مبین» (الدخان، ۴۴)

۶- ص ۱۵۱، شماره ۳۱، در بیت:

امروز کدخدای براعت تویی به شرط

تو صدر دار و این‌دگران وقف آستان

«صدر» را صاحب صدر، صاحب منصب، کنایه از فرد ممتاز و
برتر معنی کرده‌اند.

در بیت فوق «صدر» در برابر «آستان» آمده است. صدر مجلس
و آستان (آستانه در مجلس) یا همان «صف‌النعال» یا «پای‌ماچان»
است. خاقانی خود گوید:

هوا می‌خواست تا در صف بالا همسری جوید

گرفتم دست و افکندم به صف پای‌ماچانش (دیوان، ص ۳۱۵)

۷- ص ۱۵۳، شماره ۳۷، در بیت:

قومی مطوقند به معنی، چو حرف قوم

مولع به نقش سیم و مزور چو قلب کان

مؤلف گرامی، حرف «و» را طوق پنداشته است در وسط واژه.
و «نقش سیم» را «ستم یا شتم» فرض کرده است. دکتر کزازی
چنبر حرف «ق» را طوق انگاشته است و «نقش سیم» را «شیم»
(پدید آمدن خال و سیاهی بر چهره) می‌داند. (گزارش دشواری‌ها،
ص ۴۶۶)

۸- ص ۱۵۹، بیت ۲۸

عیسی از گفتار نا اهلی، برآمد بر فلک

آدم از وسواس ناجنسی، فرروفت از جنان

«فرورفتن» را معنی نکرده‌اند. به معنای هبوط و پایین آمدن
است.

۹- ص ۱۶۰، بیت ۳۰

شاعر تصویری از عناصر اربعه ارائه کرده است و ناهلان
را باد دانسته که در بالایشان آتش و در فرودستان آب است.
مؤلف «آب در زیر ران داشتن» را کنایه از پلیدکاری و نامردی
دانسته است که چندان موخه نمی‌نماید. کزازی، آب را استعاره
از ستوری که به روانی و رهواری آب است می‌داند. (گزارش
دشواری‌ها، ص ۴۶۸).

۱۰- ص ۱۶۱، بیت ۴۲

آتش اندر جاه زن، گو باد در دست تکین

آب رخ در چاه کن، گو خاک بر فرق طغان

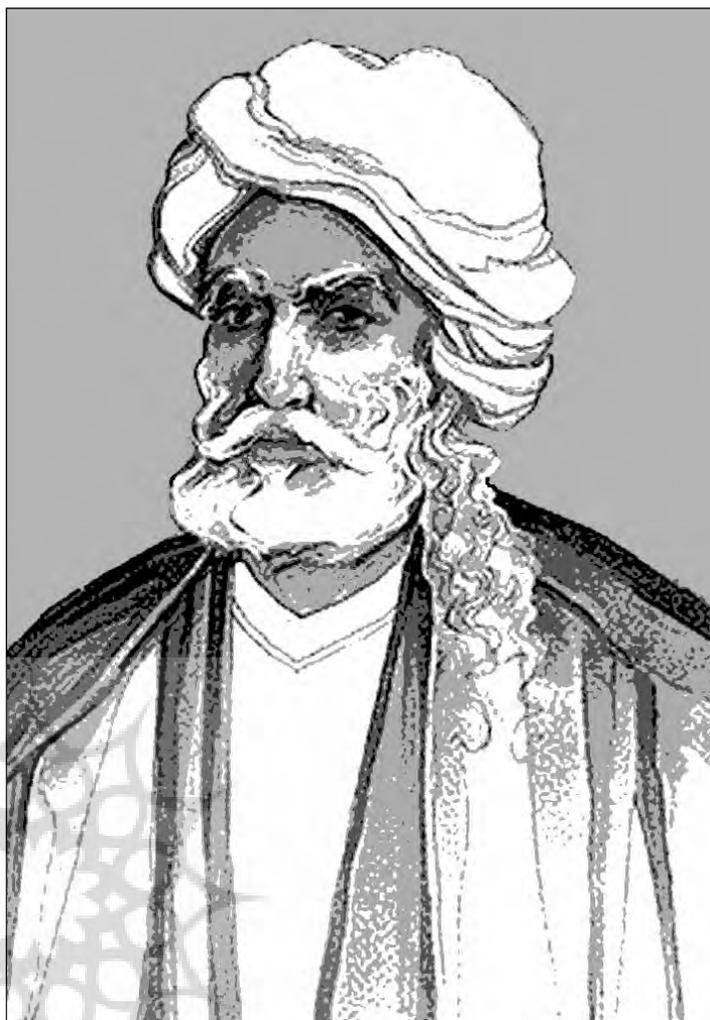
مؤلف ارجمند به تناسب بین «رخ» و «فرق» و «گو» در معنای
«گودال» یا «چاه» و جناس بین «چاه» و «جاه» اشاره‌ای نکرده‌اند.
در حالی که در این بیت به مورد بدیهی مراعات‌نظیر مابین عناصر
اربعه توجه کرده‌اند (ص ۱۷۶).

۱۱- ص ۱۶۷، بیت ۱۴

ترکیب «جان بهای فعل» همانگونه که در ابیات آمده درست
است یعنی بعد از «جان» باید ویرگول باشد و ترکیب «بهای فعل»
یا «فعل بها» است و «جان» مفعول است.

۱۲- ص ۱۰۸، ذیل شماره ۳

«کلاه و قبا داشتن» نشانه مقام و مرتبه داشتن و مهم بودن
است.



خاقانی شروانی

معنی کرده‌اند.

۱۷- ص ۹۵، ذیل شماره ۵۹

بهتر بود توضیحی دربارهٔ منازل ۲۸ گانه‌ها ارائه می‌شد. ایهام تناسب منازل و مه مورد توجه قرار نگرفته است.

۱۸- ص ۱۸۳، بیت:

چون خود و چون من نبینی هیچکس در شرع و شعر
قاف تا قاف ار بجویی، قیروان تا قیروان
بیت را خطاب به پیامبر(ص) دانسته‌اند. اما شاعر
ممدوح خود یعنی ابوالفضل احمد سیمگر را اراده کرده
است. با توجه به بیت‌های قبل. خاقانی در ابیات پیشین،
ممدوح را وصی آدم و مسیح عالم خوانده است و اشاره
به نداشتن فرزند کرده و قیاسی از روی ترک ادب
شرعی. در حالی که پیامبر(ص) فرزندی داشته است.

۱۹- ص ۱۹۸، شماره ۲۰

«زخم» را مصدر مَرّه معنا کرده‌اند. در حالی که
«ضربه» مصدر مَرّه است نه زخم که واژه‌های فارسی

است.

۲۰- ص ۱۹۹، شماره ۲۳

«مفخر» در بیت مورد نظر می‌تواند به معنای «سبب فخر و
نازش» به کار رود.

۲۱- ص ۱۹۹، شماره ۲۵

مکرم دریانوال، صفدر بدخواه مال
خواجه گیتی‌گشای، صاحب خسرو نشان
می‌توان «بدخواه مال» هم قرائت کرد که ایهامکی هم با توجه
به «نوال» و «مکرم» ایجاد می‌کند.

۲۲- ص ۲۰۴، شماره ۵۳

«عاقله» ایهام به معنای فقهی آن هم دارد. شاعر ضمن تشبیهی
نهان، مهر و ماه را مجنون و محجور فرض کرده که «شعله رای
ممدوح» عهده‌دار تکالیف آنهاست.

۲۳- ص ۲۱۳، شماره ۸

«پیچان شدن» دجله را به خاطر دیدن ایوان مدائن دانسته
است. شاید پذیرفتنی‌تر باشد که آن را به خاطر گسستن زنجیر عدل
یا از بین رفتن ساسانیان بدانیم.

۱۳- ص ۱۲۷، بیت ۲

«سیاه خانه وحشت» را کنایه از «لحد و گور» دانسته‌اند (به نقل
از برهان قاطع) اما در بیت مورد نظر، منظور «دنیاست».

۱۴- ص ۱۳۰، شماره ۱۴، بیت:

اول بیار شیر بهای عروس فقر
وانگه ببر قباله اقبال، رایگان

لازم به یادآوری است که هنوز هم در برخی از جای‌ها مرسوم
است که سند و قباله ازدواج دختر را در برابر شیرینی، پول، طلا و ...
تحویل خانواده داماد می‌دهند. خاقانی به این رسم اشاره کرده است.
البته با در نظر گرفتن معنای عرفانی بیت.

۱۵- ص ۱۳۲، بیت زیر را:

تا بر در تو موبک فقر است ایمنی
کاحداث را سوی تو جنیبت شود روان

«که» را «اگرچه» معنا کرده‌اند که دور از ذهن می‌نماید. بهتر
است «از اینکه» معنا شود.

۱۶- ص ۱۳۴، شماره ۳۵

«قد صدقت» در متن (ابیات) آمده در توضیحات «صدقت»

۲۴- ص ۲۲۸، شماره ۱

«جان عالم» را شاید توسعاً بتوان «مرکز ثقل عالم» معنا کرد و یا به تعبیری نظامی عالم تر دامن خشک از تو یافت ناف زمین: ناف زمین نافه تر از تو یافت (مخزن الاسرار، ص ۲۳)

۲۵- ص ۲۳۰، شماره ۶، در توضیح بیت:

از برای خوان کعبه ماه در ماهی دو بار گاه سیمین نان و گه زرین نمکدان آمده

مؤلف محترم چنین نوشته‌اند: «برای سفره گسترده کعبه در هر ماه، ماه آسمان، دو بار مهیا می‌شود. یک بار به صورت نان سفید و نقره‌ای (هلال) و بار دیگر به شکل نمکدان طلایی (بدر)». شایسته یادآوری است که هلال ماه شباهتی به نان ندارد و آنچه مشبه به نان قرار می‌گیرد قرص ماه یا بدر است نه هلال. و شباهت بین نمکدان و هلال ماه است.

۲۶- ص ۲۵۵، شماره ۵

سنبلستان را «گندم‌زار» معنا کرده‌اند که صحیح نمی‌نماید.

۲۷- ص ۲۵۶، شماره ۷، بیت:

سرو بالان شمایم، سر بالین مرا تازه دارید به نم، کابر نمایید همه «برنما» را با اضافه و در توضیحات با سکون معنی کرده‌اند.

درباره آرایه‌های ادبی

۱- در ص ۳۷ نوشته‌اند: «میان واژه‌های «انجم و انجمن» گونه‌ای جناس مزیل به وجود آمده است.» توضیح نداده‌اند چه گونه‌ای!

۲- در ص ۹۴ نیز بین «شروان و شروان» گونه‌ای از جناس مرکب فرض کرده‌اند اما دقیق توضیح نداده‌اند.

۳- در ص ۹۶ نوشته‌اند: بین «شبستان و شبیخون» نوعی جناس وجود دارد. چه جناسی؟!

۴- در ص ۱۷۱، بیت ۲۶: بین «ساخت و ساز» جناس اشتقاقی قائل شده‌اند که مفهوم نیست.

۵- در ص ۲۱۵، شماره ۱۵: بهتر بود مؤلف محترم اشاره به جناس مرکب بین فلک گردان و فلک‌گردان می‌کردند تا اشاره به

آرایه تکرار.

۶- در ص ۲۱۶، شماره ۱۸: نوشته‌اند در بیت زیر نوعی حسن تعلیل وجود دارد.

دانی چه؟ مداین را با کوفه برابر نه

از سینه تنوری کن و از دیده طلب طوفان

اما حسن تعلیلی در بیت فوق دیده نمی‌شود.

۷- در ص ۲۲۹، شماره ۲: تضاد بین عام و خاص و آستان و صفه می‌تواند مورد توجه باشد.

موارد نگارشی

۱- ص ۷۹، بیت ۴۹

«دولت یار» باید متصل نوشته شود.

۲- ص ۲۵۱

نوشته‌اند: «علی دشتی در کتاب «خاقانی شاعری دیرآشنا» درباره این قصیده چنین گفت» که قاعدتاً باید «می‌گوید» باشد.

۳- ص ۱۸۹، بیت ۲

ویرگول بعد از «ظلام» قرار می‌گیرد نه قبل از آن و در مصرع دوم بعد از «فروغ».

داد به گیتی ظلام، سایه خاک سیاه

یافت ز انجم فروغ، انجمن کهکشانشان

۴- ص ۲۰۷، ویرگول بعد از «بین» می‌آید:

از آتش حسرت بین، بریان جگر دجله

خود آب شنیدستی آتش کندش بریان

۵- ص ۲۰۳، شماره ۵۱ و ۵۲

در معنی بیت، کلمه «ناهید» بعد از «ستاره» از قلم افتاده است.

۶- ص ۱۰۸، شماره ۵

جمله نقص معنایی دارد: «گاهی از حمایت دیگران دوری می‌کنم».

در حالی که باید بدین صورت باشد: «گاهی از تحت حمایت دیگران قرار گرفتن دوری می‌کنم».

تصحیح ابیات

۱- ص ۳۷، ذیل شماره ۴

۲) صفحه ۴۱، پاورقی شماره ۲: «بیت» درست است. که به اشتباه «بین» آمده است.

۳) صفحه ۵۷، ذیل شماره ۴، ص ۵۹، ذی شماره ۱۳: «تشبیه» درست است نه «تشیب».

۴) صفحه ۶۱، ذیل شماره ۲۱، به جای «قد قنینه»، «قند قنینه» آمده است.

۵) صفحه ۷۸، بیت ۲۹: صحیح «گوییم» است.

۶) صفحه ۸۵، ذیل شماره ۴۹: «از» ماقبل آشکار، زاید است.

۷) صفحه ۸۸، ذیل شماره ۲۹، «سلطان» درست است نه «سطن».

۸) صفحه ۱۱۸، ذیل شماره ۶۰: «باشگونه» صحیح می‌نماید.

۹) صفحه ۱۳۷، پاورقی: «احادیث مثنوی» درست است که به اشتباه «معنوی» آمده است.

۱۰) صفحه ۱۴۶، شماره ۸: «گلگون» به ضم «گاف» درست است نه به فتح آن.

۱۱) صفحه ۲۱۱، بیت ۳۰: «از آن» به جای «زان» آمده است.

۱۲) صفحه ۱۹۹، شماره ۳۲: «سپهر کرم» صحیح است نه «کرام».

۱۳) صفحه ۲۰۲، شماره ۴۰: توضیحات مربوط به «زمین و زمان» مربوط به شماره (۴۱) است.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ذبیح‌الله صفا، چاپ هشتم، فردوس، ۱۳۶۷.
- ۳- دیوان خاقانی، ج اول، چامه‌ها و ترکیب‌بندها، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، نشر مرکز، ۱۳۷۵.
- ۴- دیوان منوچهری دامغانی، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، زوار، ۱۳۷۰.
- ۵- گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی، میرجلال‌الدین کزازی، چاپ دوم، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- ۶- گزیده قصاید خاقانی، مجید سرمدی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵.
- ۷- مخزن‌الاسرار، نظامی گنجه‌ای، به تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، نشر قطره، چاپ ششم، ۱۳۸۲.

بیتی از منوچهری دامغانی، شاهد آورده‌اند که ارجاع به دیوان بدون ذکر صفحه است. در ضمن شعر را نیز به اشتباه نوشته‌اند. اصل شعر چنین است:

ای بدل ذویزن، بوالحسن بن الحسن
فاعل فعل حسن، صاحب دو کف راد

(دیوان منوچهری، ص ۱۷)

که مؤلف به صورت «به دل» و «ذو کف» آورده است.

۲- ص ۱۵۷، بیت ۵

تا نگارستان نخواهی طارم ایام را

کز برون سو زر نگار است، از دورن سو خاکدان

در بیت فوق «نخوانی» صحیح است که «نخواهی» آمده.

(دیوان خاقانی، ص ۴۴۰)

۳- ص ۱۶۰، بیت ۳۸

بیت بدین صورت درست است:

جان مده، در عشق زور و زر که ندهد هیچ طفل

لعبت چشم از برای لعبتی از استخوان

که کلمه «طفل» نیامده بود.

خودآزمایی‌ها

۱. ص ۱۵۵، خودآزمایی شماره ۴

در توضیحات متن، شماره ۳۸ «عوان» را کنایه از «طماع»

دانسته‌اند، اما در خودآزمایی گزینه «ج» را صحیح دانسته‌اند که

«آزار رساننده و مزاحم» است. در حالی که به این معنی در متن

اشاره نشده است.

۲. ص ۲۰۴، شماره ۱، ص ۲۵۰، گزینه ج

تشبیهات و استعارات و کنایات جزو آرایه‌های ادبی نیستند. بلکه

در حیطه علم بیان قرار می‌گیرند. در یک تألیف دانشگاهی باید بین

بیان و بدیع تفکیک قائل شد.

۳. ص ۲۳۸، شماره ۲

در گزینه‌های «الف» (نارالقرأ) و «د» (نورالضیافه) آورده‌اند. در

متن نارالضیافه آمده است که تفاوتی چندان با «نورالضیافه» ندارد.

ایرادات تایپی

۱) در شناسه کتاب چنین آمده است: «چاقانی، بریل بن علی»

که صحیح «خاقانی و بدیل» می‌باشد.